

معیارهای حقوقی توصیف و تشخیص جلسه اول دادرسی مدنی

(در اوقات عادی و تجدید جلسه)

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۲/۱۲)

کامل حمید

چکیده

نخستین جلسه دادرسی که گاهی با عناوین مشابه و بعضاً مترادف مانند جلسه اول دادرسی یا تا اولین جلسه دادرسی از آن یاد می کنند، به معنای رسیدگی قضایی توسط دادگاه حقوقی به منظور استماع دادخواهی و مطالبه حق متقاضی، حل و فصل دعوای حقوقی و صدور رأی مقتضی جهت احیای حقوق صاحب حق (ذیحق) می باشد. مسلم است در چنین فرآیندی، تعیین وقت دادرسی یا همان جلسه (جلسات) دادگاه، صرفنظر از نوع دعوا ضروری و از بدیهیات قواعد ناظر بر دادرسی مدنی خواهد بود. با این وجود، قانونگذار ایرانی در قانون آیین دادرسی مدنی، جهت حفظ و تضمین هرچه بهتر حقوق اصحاب دعوا، همچنین تحکیم مقررات ناظر بر دادرسی مدنی در دادگاهها، همواره سعی نموده است که دعوای حقوقی در مقطع خاصی به سرانجام یا لاقبل، دادگاه ضمن ورود به ماهیت دعوا، استماع اظهارات طرفین و بررسی دلایل ابرازی آنها، آماده و مستعد برای صدور رأی مقتضی باشد. این ظرف زمانی خاص که به نوعی برای اصحاب دعوا هم ایجاد حق می کند و هم تکلیف، «نخستین جلسه دادرسی» نامیده می شود که با وجود اهمیت فراوان، قانونگذار نسبت به زمان آغاز و پایان آن یا نحوه تشخیص و یا ضابطه مندی آن، در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ سخنی به میان نیاورده است. بر این اساس، توصیف این مقطع از دادرسی و نحوه تشخیص آن، موضوع بحث ما در مقاله حاضر خواهد بود.

واژگان کلیدی: دادرسی مدنی، جلسه دادرسی، نخستین جلسه، تجدیدجلسه

مقدمه

مطابق عموماً علم حقوق، هرگونه دادخواهی مدنی مستلزم رعایت آیین، ضوابط و قواعد ناظر بر نحوه مطالبه آن است. به عنوان مثال، مطابق قانون آیین دادرسی مدنی، مطالبه حق با تقدیم دادخواست (گاهی نیز اظهارنامه پیش شرط خواهد بود) و با رعایت اصول ناظر بر دادرسی مدنی (مانند تکمیل بودن دادخواست، ابطال تمبر، رعایت صلاحیت دادگاه و غیره) است؛ هرچند که در موارد استثنائی و نادر، قانونگذار اسلامی، درخواست را نیز در بعضی دعاوی (اصولاً مرافعات) پذیرفته است، اما اصل در طرح دعاوی و مطالبه حق، همان است که اصل بیان می‌دارد و اصل نیز حکایت از رعایت تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی دارد. یکی از مهم‌ترین مقاطع دادرسی که تابع قواعد و تشریفات خاصی است (از حیث آثار و نتایج مترتب بر آن)، «نخستین جلسه دادرسی» است. این ظرف زمانی از منظر قانونگذار، دارای آثار و پیامدهای بسیار مهمی است که عدم رعایت و یا اهتمام به آن، ممکن است برخلاف فلسفه علم حقوق و آیین دادرسی مدنی که همانا تضمین حق و ستاندن آن از ظالم و اعلام ذیحقی صاحب حق است، لذا ممکن است این نتیجه مطلقاً محقق نگردد. در واقع، مطابق با عموماً قانون آیین دادرسی مدنی، اصحاب دعوا حقوق و البته تکالیفی دارند که اعمال آن‌ها، عمدتاً تنها در اولین جلسه دادرسی امکان‌پذیر خواهد بود. قابل ذکر می‌باشد که نخستین جلسه دادرسی حسب مورد می‌تواند در بردارنده انواع جلسات دادرسی (عادی، خارج از نوبت و فوق‌العاده) و یا در تجدیدجلسات دادرسی باشد؛ بنابراین، در چنین وصفی می‌توان به آثار و نتایج حقوقی وارد به این جلسه، در تطابق با انواع جلسات دادرسی قیاس گرفته و نتیجه را به این جلسات تعمیم دهیم لذا اهمیت این بحث بدین خاطر است. بنابراین، جهت اهمیت موضوع، مناسب است معیار اولین جلسه دادرسی و نحوه تشخیص و شناسایی چنین بازه زمانی مهمی در جریان دادرسی مدنی، بررسی گردد.

بخش اول: معیار اولین جلسه دادرسی

در شماری از مواد قانون آیین دادرسی مدنی، عبارت «اولین جلسه» دیده می‌شود و در مواد دیگری نیز عبارت «جلسه اول دادرسی» و یا «اولین جلسه»، برای رساندن همان مفهوم، به کار رفته است. همان گونه که بیان گردید اولین جلسه دادرسی دارای امتیازات و آثار ویژه‌ای است که اطلاع از این آثار می‌تواند در پیشبرد سریع دادرسی مفید باشد، به

نحوی که علاوه بر جلوگیری از اتلاف وقت دادگاه‌ها، در رسیدگی به پرونده‌ها از هزینه‌های بی‌مورد دادرسی نیز خواهد کاست. به همین جهت، قانون‌گذار اسلامی، با هدف جلوگیری از اطلاع دادرسی و کوتاه کردن زمان دادرسی‌ها، برای اولین جلسه دادرسی، ارزش و البته جایگاه خاص قائل شده و مقررات نسبتاً سنگینی را پیش‌بینی کرده است که رعایت آن‌ها برای اصحاب دعوی ضروری است.^۱

این مواد، به ترتیب عبارت‌اند از: مواد (۹۰)، (۹۷)، (۹۸)، (۱۱۶)، (۱۳۵)، (۱۳۶) و (۱۴۴). همچنین، مواد (۶۲)، (۸۷)، (۱۰۷)، (۱۴۳) و (۲۱۷) از قانون مرقوم، که در هر یک از آنها، حَسَب مورد، احکام و آثار اولین جلسه دادرسی مقرر گردیده است. اما با این وجود، در قانون فعلی، برخلاف قانون قدیم (مصوب ۱۳۱۸)، از اولین جلسه دادرسی یا مفاهیم مشابه آن تعریفی به عمل نیامده و معیاری برای آن ارائه نشده است.

جلسه دادرسی به منظور شنیدن اظهارات اصحاب دعوا و رسیدگی دادگاه به دعوای مطروحه، تشکیل می‌شود و ممکن است از یک سو، به دفعات و به علل گوناگون تجدید شود؛ و از سوی دیگر در وقت مقرر، به علت مانعی که وجود دارد تشکیل جلسه امکان قانونی پیدا ننماید و بالاخره علی‌رغم تشکیل جلسه در وقت مقرر، دستور جلسه جزئاً یا کلاً قابلیت اجرا نداشته باشد. بنابراین، باید معیار دقیقی ارائه شود تا تشخیص تشکیل جلسه دادرسی امکان‌پذیر شده و تفاوت سایر جلسات با اولین جلسه دادرسی مشخص شود. شرایط مقدماتی تشکیل جلسه دادرسی در جای خود مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به شرایط مزبور و تدقیق در منطوق مواد متعددی از ق.آ.د.م. (با وحدت ملاک از مفهوم بعضی از مواد)، می‌توان پنداشت اولین جلسه دادرسی، اولین جلسه‌ای است که موجبات رسیدگی فراهم بوده و خوانده فرصت و امکان دفاع در برابر دادخواست خواهان، با لحاظ تغییرات احتمالی آن که به تجویز ماده (۹۸) ق.آ.د.م. انجام می‌گیرد، داشته باشد. بنابراین، در تمام مواردی که پس از تقدیم دادخواست و برای رسیدگی به دعوا، اصحاب دعوا برای اولین نوبت دعوت می‌شوند، اما موجبات مقدماتی رسیدگی به هر علت فراهم نباشد چون اصولاً جلسه‌ای تشکیل نگردیده، اولین جلسه دادرسی منتفی است. بنابراین، چنانچه

^۱ - بعضی از این مقررات از موجبات زوال دادرسی یا ابطال دادخواست خواهان خواهد بود.

^۲ - حمید، کامل، منبع پیشین، ص ۱۳۸.

موجبات رسیدگی در نوبت مزبور فراهم بوده باشد، لیکن خواننده فرصت و امکان دفاع در برابر دادخواست خواهان پیدا ننماید، چنین جلسه‌ای را نمی‌توان «اولین جلسه» دانست.^۱ در نتیجه، اگر در جلسه مزبور خواهان برای مثال، در مقام استفاده از حقوق مذکور در ماده (۹۸) ق.آ.د.م؛ و یا هر اقدام قانونی دیگری که دادگاه به او اجازه می‌دهد یا تکلیف می‌نماید، تمامی وقت جلسه یا قسمت مهمی از آن را به خود اختصاص دهد و خواننده فرصت و امکان دفاع در برابر دادخواست را، کلاً یا جزئاً، پیدا نکند، نمی‌توان آن را جلسه اول دادرسی به شمار آورد. آدر مقابل، چنانچه در نخستین نوبتی که اصحاب دعوا برای رسیدگی به دعوا دعوت می‌شوند، موجبات مقدماتی رسیدگی فراهم باشد و حسب مورد، خواننده یا وکیل او حاضر نشده و یا در صورت حضور داشتن فرصت و امکان دفاع، سکوت نماید، جلسه مزبور اولین جلسه دادرسی شمرده می‌شود.^۳

اکنون که با مفهوم نخستین جلسه دادرسی آشنا شدیم، در مطالب بعدی در مقام نحوه توصیف، شناسایی و تشخیص آن خواهیم بود.

گفتار اول: توصیف حقوقی اولین جلسه دادرسی و چگونگی تشخیص آن

مطابق عموماً ق.آ.د.م در طرح دعاوی، «جلسه دادرسی» یک وضعیت میان دو مقطع زمانی تقدیم دادخواست و ابلاغ آن از یک سو و اعلام ختم دادرسی از سوی دیگر قرار گرفته و در این مقطع، دادرس دادگاه، کلیه اظهارات و ادعاها و دفاعیات و دلایل طرفین را استماع نموده و هرگونه اقدامی را که در جهت تبیین مجهول قضایی لازم و ضروری است انجام و خود را آماده می‌سازد که پس از این مقطع به اصدار رأی اقدام ورزد. بنابراین، جلسه اول دادرسی را می‌بایست از یک سو، توصیف نمود و از سوی دیگر، تشخیص داد. در این قسمت از مقاله حاضر، این مهم در دو قسمت جداگانه بررسی خواهد شد.

۱- توصیف حقوقی اولین جلسه دادرسی و اوصاف زمانی آن؛

^۱ - وبسایت شبکه اطلاع رسانی دانا، توصیف حقوقی اولین جلسه دادرسی و چگونگی تشخیص آن، شناسه خبر: ۶۱۶۸۶۹، تاریخ درج خبر: ۱۳۹۴/۱۰/۲۸، به آدرس تارنمای فضای مجازی ذیل:

^۲ - حمید، کامل، منبع پیشین، ص ۱۳۹. <https://www.dana.ir/news/-/html/616869>. توصیف حقوقی-اولین جلسه-دادرسی-و-چگونگی-تشخیص-آن

^۳ - واحدی، جواد، (پاییز ۱۳۷۶)، جلسه اول دادرسی و خصوصیات آن، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، مقاله ۴، دوره ۳۸، شماره پیاپی ۱۲۲۵، ص ۶۷ به بعد.

۲- چگونگی تشخیص اولین جلسه دادرسی در دعاوی مختلف.

بند اول: توصیف حقوقی اولین جلسه دادرسی و اوصاف زمانی آن

الف: توصیف حقوقی اولین جلسه

واضح است که نخستین جلسه دادرسی منشاء آثار مهمی است و بر اساس قانون در اولین جلسه دادرسی، حقوق و تکالیفی برای اصحاب دعوا قابل تصور است که آگاهی از این حقوق و تکالیف در سرنوشت دعوا تأثیر بسزایی دارد، چون برخی از این حقوق و تکالیف در سایر جلسات که به دلایلی ممکن است تجدید شود، قابل اعمال نخواهد بود. لذا شناخت اولین جلسه دادرسی از جهت شناخت حقوق و تکالیف در این جلسه حائز اهمیت می‌باشد.

در موارد متعددی از قانون جدید آیین دادرسی مدنی؛ عبارت «اولین جلسه»، «اولین جلسه دادرسی» یا «جلسه اول دادرسی» به کار رفته است که هر سه عبارت به یک مفهوم هستند و این مواد به ترتیب عبارت‌اند از مواد (۱۶، ۶۲، ۷۸، ۹۰، ۹۷، ۹۸، ۱۰۷، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۳، ۱۴۴ و ۲۱۷) قانون آئین دادرسی مدنی که در هر یک حسب مورد آثار و احکام اولین جلسه دادرسی تدوین گردیده است.

پیش از این بیان گردید که در قانون سابق و البته قانون کنونی آ.د.م.، تعریفی از جلسه اول دادرسی، به عمل نیامده است. همچنین، جلسه دادرسی به منظور استماع اظهارات طرفین دعوا و رسیدگی دادگاه به دعوی مطروحه تشکیل می‌گردد و ممکن است به دفعات و به علل متعدد تجدید شود. علل و جهات تجدید وقت ممکن است مربوط به اصحاب دعوا باشد مثل اینکه طرفین در جریان مذاکرات اصلاحی باشند و متفقاً از دادگاه تقاضا نمایند جلسه دادرسی به وقت دیگری موکول گردد. ممکن است دادگاه به لحاظ مرخصی و معذوریت متصدی آن آماده تشکیل جلسه نباشد. در این صورت، جلسه تجدید می‌شود و بالاخره ممکن است خواهان یا خوانده یا هر دو در دادگاه حاضر نباشند و اوراق موضوع ابلاغ طرفین یا یک طرف اعاده نشده و یا اوراق اعاده شده، ولی ابلاغ واقعی نشده و ابلاغ قانونی هم در وضعی است که اطلاع اصحاب دعوا را احراز نمی‌کند در این صورت جلسه دادگاه تجدید می‌شود.^۱ بسیاری از موارد تجدید جلسه به همین علت است مخصوصاً اگر خواهان و خوانده متعدد باشند احتمال عدم ابلاغ واقعی و عدم احراز اطلاع از جانب دادگاه تجدید

^۱ - شبکه اطلاع رسانی دانا، منبع پیشین؛ حمید، کامل، منبع پیشین، ص ۱۴۱

جلسه را باعث می‌گردد. بنابراین، باید معیار دقیقی از جلسه اول ارائه شود تا تفاوت سایر جلسات با اولین جلسه دادرسی مشخص گردد. نظر به این‌که تعریف قانونی از اولین جلسه دادرسی به عمل نیامده و نویسندگان حقوقی با توجه به آراء و احکام صادره از دیوان عالی کشور و دادگاه انتظامی قضات و غیره به بیان تعریف پرداخته‌اند. بر این مبنا، «منظور از اولین جلسه دادرسی، آن‌چنان جلسه‌ای است که موجبات قانونی طرح و استماع دعوا طرفین فراهم باشد. بدیهی است در صورتی‌که به جهتی از جهات جلسه مزبور تجدید شود جلسه یا جلسات بعدی جلسه اول محسوب نمی‌گردد»^۱. در این حکم صادره، ملاک جلسه اول آماده بودن موجبات قانونی رسیدگی می‌باشد؛ بنابراین، از رأی دیوان می‌توان نتیجه گرفت که اگر در جلسه بعد از تقدیم دادخواست موجبات رسیدگی از لحاظ رسیدن اختاریه‌ها به دست طرفین، فراهم باشد آن جلسه، جلسه اول خواهد بود و در صورت تجدید جلسه به جهتی غیر از نقایص ابلاغ جلسه بعدی، جلسه اول محسوب نخواهد گردید، اما اگر اولین وقت دادرسی به علت نقص ابلاغ یا عدم اطلاع خوانده یا عدم ابلاغ وقت به خواهان تجدید شود، جلسه بعدی در صورت وجود شرایط رسیدگی، جلسه اول خواهد بود. همچنین، در مواردی خوانده حق دارد در جلسه اول تقاضایی از دادگاه بنماید و آن جلسه به واسطه کسالت حاکم محکمه تشکیل نشود، جلسه بعدی، جلسه اول محسوب می‌شود.^۲

در این حکم، ضابطه فرصت و امکان استفاده خوانده از حقوق خویش بیان شده است؛ یعنی از آنجا که در جلسه اول برای خوانده حقوقی متصور است. در این صورت اگر به علتی فرصت دفاع به خوانده داده نشود جلسه بعدی، جلسه اول محسوب می‌شود، ولو به علت کسالت قاضی.^۳ جلسه اول دادرسی اولین جلسه‌ای است که برای رسیدگی به دعوا تشکیل می‌شود؛ مشروط به اینکه در آن جلسه موجبات قانونی طرح و استماع دعوا فراهم باشد.^۴ اداره حقوقی قوه قضاییه طی نظریه شماره ۷/۵۰۱۵ - ۱۳۸۱/۶/۱۰ بیان داشته است: «اولین جلسه دادرسی زمانی است که وقت رسیدگی به خواهان و خوانده ابلاغ و رسیدگی شروع شده باشد و اگر جلسه برای ابلاغ وقت رسیدگی به طرفین یا یکی از آن‌ها تجدید

^۱ - رأی اصراری شماره ۳۰۳۱ مورخ ۱۳۲۹/۱۰/۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور.

^۲ - حکم شماره ۳۸۳ - ۱۳۰۸/۰۴/۱۳ دادگاه عالی انتظامی قضات.

^۳ - کسالت قاضی به معنای ناتوانی او و از مصادیق قوه قاهره (فورس ماژور) می‌باشد.

^۴ - بهشتی، محمدجواد و مردانی، نادر، (۱۳۸۵)، آئین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ص ۸۶.

شود، اولین جلسه رسیدگی محسوب نمی‌شود». در اینجا، مقصود از جلسه‌ای که قانون‌گذار آن را مبنای حق تقاضای تجدید (جلسه) قرار داده، جلسه محاکمه است؛ بنابراین، هرگاه در موقعی که از محاکمه تقاضای مجددی شود که چندین جلسه تعیین شده و در هیچ‌کدام محاکمه به عمل نیامده مانعی از قبول و رسیدگی به آن وجود نخواهد داشت. در این تعریف، معیار جلسه اول، رسیدگی و دادرسی می‌باشد؛ یعنی اگر در جلسه مدافعات و توضیحات استماع گردد و تحقیقات و رسیدگی به دلایل صورت پذیرد، اطلاق جلسه اول بر آن صادق می‌باشد و الا در صورت عدم انجام رسیدگی ولو اینکه جلسه تشکیل شده باشد، جلسه بعدی «جلسه اول» است. با توجه به معیاری که برای جلسه اول دادرسی ارائه شد یعنی مهیا بودن موجبات رسیدگی و امکان دفاع خوانده در برابر ادعای خواهان، می‌توان گفت جلساتی که به جهت نقص ابلاغ یا جهات دیگر چون بیماری دادرسی تجدید می‌شود، جلسه اول محسوب نمی‌گردد، چراکه موجبات رسیدگی فراهم نبوده و اصولاً جلسه‌ای تشکیل نگردیده، لذا اولین جلسه دادرسی منتفی است. همچنین، چنان‌که موجبات رسیدگی فراهم بوده، اما امکان و فرصت دفاع برای خوانده در برابر ادعای خواهان فراهم نباشد اطلاق اولین جلسه به چنین جلسه‌ای هم ممکن نیست، ولی چنانچه موجبات رسیدگی فراهم باشد و حسب مورد خوانده یا وکیل او حاضر نشده و یا در صورت حضور و داشتن فرصت و امکان دفاع، سکوت نمایند جلسه مزبور اولین جلسه دادرسی محسوب خواهد شد. در خصوص عبارت «تا پایان اولین جلسه» نیز وضعیت روشن است، زیرا جلسه دادرسی با امضاء صورت جلسه پایان می‌گیرد. بنابراین، زمان امضاء صورت جلسه همان پایان جلسه دادرسی است با این وصف که این مقطع از تاریخ تقدیم دادخواست شروع شده و تا هر زمان که جلسه اول دادرسی خاتمه نیافته باشد و قبل از امضای ذیل صورت جلسه مربوط به آن امتداد می‌یابد به عبارت دیگر، حق یا تکلیف صرفاً از یک طرف محدودیت دارد یعنی قبل از جلسه اول پذیرفته می‌شود؛ اما بحث در مورد تصریح به «تا اولین جلسه دادرسی»

^۱- رأی شماره ۳۷۹/۶۶۸۸-۱۳۱۰/۳/۳ دیوان عالی کشور؛ همچنین، بنگرید به: حسینی، سیدمحمد رضا، (۱۳۸۳)، قانون آئین دادرسی مدنی در رویه قضایی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ص ۹۱.

^۲- حمید، کامل، منبع پیشین، ص ۱۴۳.

^۳- سید احمد بنی جمالی، (۱۳۹۹)، اولین جلسه دادرسی، تارنمای فضای مجازی ذیل:

<https://ahmadbanijamali.com/> اولین جلسه-دادرسی-۲/

می‌باشد سؤال اینکه آیا ظرف زمانی مذکور را می‌توان به‌گونه‌ای تفسیر کرد که شامل خود جلسه اول دادرسی نیز شود یا نه؟ در این نوع نیز، روزهای قبل از اولین جلسه نیز داخل در حکم هستند ولی مناقشه در خود مدت جلسه اول است.

ب: اوصاف زمانی اولین جلسه دادرسی

۱- ایرادات و اعتراضات در روزهای قبل از اولین جلسه؛ چون تصریح صورت گرفته، لازم به توضیح نمی‌باشد. بنابراین، خواننده قطعاً می‌تواند در صورت امکان قبل از اولین جلسه اقدام به ایراد نماید.

۲- ایرادات و اعتراضات در روزهای بعد از اولین جلسه؛ اینکه آیا خواننده می‌تواند بعد از اولین جلسه دادرسی اقدام به ایراد نماید؟ علمای اصول در این مورد متفق القول نیستند مشهور می‌گویند حکم به ماوراء غایت سرایت نمی‌کند و برای این کار نیاز به قرینه می‌باشد.^۱ یعنی ایراد و اعتراض کردن یا نکردن خواننده بعد از اولین جلسه مسکوت است و با توجه به قرینه وارده می‌توان گفت که می‌توانند.

۳- ذکر ایرادات و اعتراضات در خود اولین جلسه دادرسی - آنچه فوقاً بیان شد مربوط به قبل و بعد از اولین جلسه بود اما اینکه آیا غایت (اولین جلسه) خود دارای حکم مذکور در قضیه است یا خیر؟ موضوع فرض سوم می‌باشد این بحث در اصول با عنوان این که آیا غایت داخل در مغیا است یا نه؟ مطرح شده است «مغیا چیزی است که قانون برای آن غایت قرار داده باشد». به عبارت دیگر، مغیا حق یا حکمی را گویند که دارای غایت باشد. حال آیا اولین جلسه (غایت) مشمول حکم (مغیا) می‌باشد یا خیر؟ چنانچه در اینجا غایت را از مغیا خارج بدانیم باید قائل شویم که استفاده از حقوق مزبور فقط تا زمان تشکیل جلسه اول دادرسی امکان‌پذیر است و بعد از تشکیل آن نمی‌توان از این حقوق استفاده کرد. واقعیت این است که در هیچ‌یک از موادی که در آنها تعبیر «تا اولین جلسه دادرسی» به کار رفته است قرینه لفظی وجود ندارد که با استنباط از آن بتوان جلسه دادرسی را نیز داخل در مغیا تلقی کرد پس از قواعد اصولی نمی‌توان برای تعیین اینکه آیا اولین جلسه نیز داخل در مغیا

^۱ - محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۶۹)، مباحثی از اصول فقه، دفتر اول، چاپ ششم، تهران، انتشارات اندیشه‌های نو، ص ۷۵. به نقل از: رامشی، میثم و بلوچیان، علی، (پاییز ۱۳۹۷)، بررسی شرایط و آثار تغییر دعوای مدنی در حقوق ایران، فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری (وکیل مدافع)، دوره ۸، شماره ۱۷، ص ۹۹.

^۲ - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۳)، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات گنج دانش، ص ۶۷۳.

یعنی شامل حکم حقوق و تکالیف می‌شود یا خیر استفاده نمود و در هر مورد باید به کمک قرائن خاص یا با استفاده از قواعد عام حکم مسأله را استنباط نماییم. پس، ناگزیر خواهیم بود برای اینکه حکم موضوع را بتوانیم در مورد اولین جلسه دادرسی نیز مجری بدانیم باید به دلایل دیگر رجوع کنیم.^۱

بند دوم: توصیف نخستین جلسه دادرسی در مقاطع مختلف

با عنایت به رأی اصراری شماره ۳۰۳۱۳ مورخ ۳ دی ماه ۱۳۳۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور که نخستین جلسه دادرسی را جلسه ای می‌داند که موجبات قانونی طرح و استماع دعوای طرفین را در بر گیرد و با امعان نظر در نظریه مشورتی اداره حقوق قوه قضاییه به شماره ۵۰۱۵/۷ مورخ ۱۰ شهریورماه ۱۳۸۱ که مقرر می‌دارد نخستین جلسه دادرسی، زمانی است که وقت رسیدگی به طرفین ابلاغ و رسیدگی آغاز شده باشد. بنابراین، در فرض

^۱ - برخی از این دلایل عبارت‌اند از:

الف- از آنجا که ما در مورد امری در گذشته یقین داشته‌ایم یعنی یقین داریم که تا قبل از اولین جلسه حقوق و تکالیف برای اصحاب دعوی مترتب است، اما در بقای آن در زمان لاحق تردید داریم در اینجا حقوق و تکالیف را در زمان لاحق (اولین جلسه) استصحاب می‌کنیم. اصحاب دعوا با توجه به آنچه در فرض اول گفته شد قبل از اولین جلسه دارای حقوق و تکالیف بوده‌اند تا زمانی که دلیل بر انتفای حقوق و تکالیف در جلسه اول ارائه نشده است کماکان حقوق و تکالیف در اولین جلسه قابل اعمال خواهد بود.

ب- وجود قرینه‌ای بر امکان اعمال حقوق و تکالیف در اولین جلسه دادرسی؛ اگرچه بدو از حرف «تا» چنین متبادر به ذهن است که اصحاب دعوا قبل از ورود به اولین جلسه باید حقوق و تکالیف خود را اعمال کرده باشند، یعنی در این خصوص خود جلسه را در بر نمی‌گیرد؛ و این امر در ماده (۲۸۸) قانون آیین دادرسی مدنی سابق مشتبّه بود، ولی در ماده بعد همین قانون (۲۸۹) تصریح کرده بود: «اگر خواننده دعوی متقابل را در جلسه دادرسی اقامه نماید...»؛ و این قرینه‌ای بود بر اینکه اصحاب دعوا می‌توانسته‌اند در اولین جلسه دادرسی دعوای متقابل را که از حقوق خواننده است اقامه کنند. در تأیید این نظر، تنظیم مقررات مربوط به دعوای متقابل در قانون جدید است که تصریح کرده که دعوای متقابل تا پایان اولین جلسه دادرسی قابل اعمال است (ماده ۱۴۳ ق.آ.د.) یعنی عبارت «تا اولین جلسه دادرسی» اصلاح شده است.

پ- علاوه بر دلایل مذکور که ذکر شد، رویه قضایی نیز جلسه دادرسی را داخل در مغیا دانسته است و همواره اولین اقدام ذینفع در جلسه دادرسی مبنی بر استفاده از حقوق مزبور را داخل مغیا فرض کرده است؛ بنابراین، اگر خواهان در همان ابتدای جلسه دادرسی، دادخواست خود را مسترد کند اعم از اینکه استرداد به صورت شفاهی باشد یا با تقدیم لایحه انجام پذیرد دادگاه همچون موردی که استرداد دادخواست قبل از شروع جلسه صورت گیرد مبادرت به صدور قرار ابطال دادخواست خواهد کرد و مثال دیگر خواننده وفق بند (۴) ماده (۶۴) قانون آیین دادرسی مدنی تا اولین جلسه دادرسی می‌تواند به بهای خواسته اعتراض کند اما رویه دادگاه چنین است که تا پایان جلسه اول دادرسی خواننده حق ایراد دارد.

تجدید جلسه، جلسه تجدید شده، جلسه نخست محسوب نخواهد شد. مطابق با این تقریرات، به نظر می‌رسد تفاوتی در نوع جلسه دادرسی (عادی، خارج از نوبت، فوق العاده و وقت نظارت) نیست و هرگاه خوانده فرصت دفاع داشته باشد (با رعایت اصول حقوقی ناظر بر دادرسی مدنی) ولو از این حق انصراف دهد، جلسه مزبور، جلسه نخست بشمار خواهد آمد. با این وجود، اگر تمام وقت جلسه صرف اظهارات خواهان شود و خوانده نتواند پاسخ دهد یا پاسخ خوانده طولانی شود و وقت جلسه برای تکمیل آن کافی نباشد و ناتمام بماند، جلسه بعدی که برای شنیدن ادامه دفاعیات خوانده تشکیل می‌شود، ادامه نخستین جلسه دادرسی خواهد بود. همچنین، عقیده بر آن است که تا زمانی که خوانده فرصت دفاع پیدا نکرده است، نخستین جلسه دادرسی حتی اگر دعوا از مرحله بدوی، وارد مرحله تجدیدنظر شده باشد، و خوانده منحصرأً (و نه خواهان) می‌تواند از حقوقی که قانونگذار، بهره‌وری را از آنها در یا تا پایان نخستین جلسه دادرسی مقرر نموده است، بعمل آورد.

گفتار دوم: چگونگی تشخیص اولین جلسه دادرسی در دعاوی مختلف

بند اول: دعاوی اصلی

«دعوی اصلی» آن است که دعوی یعنی محاکمه را بدو تولید و ایجاد می‌کند و آن به وسیله دادخواست خواهان صورت می‌گیرد.^۱ با توجه به معیاری که برای جلسه اول دادرسی ارائه شد در دعوی اصلی جلسه اول دادرسی جلسه‌ای است که موجبات رسیدگی و امکان دفاع خوانده در برابر ادعای خواهان فراهم باشد؛ بنابراین، در تمام مواردی که اصحاب دعوا پس از تقدیم دادخواست و تعیین وقت رسیدگی برای اولین بار جهت رسیدگی به دعوا دعوت می‌شوند ولی موجبات رسیدگی به علل مختلف از جمله نقص ابلاغ یا جهات دیگر چون بیماری دادرس فراهم نباشد و جلسه تجدید گردد در اینجا چون اصولاً جلسه‌ای تشکیل نشده لذا جلسه اول دادرسی منتفی است. همچنین، چنانچه موجبات رسیدگی فراهم باشد اما امکان و فرصت دفاع برای خوانده در برابر ادعای خواهان فراهم نباشد اطلاق اولین جلسه دادرسی به چنین جلسه‌ای هم ممکن نخواهد بود و کافی است که خوانده

^۱ - وبسایت معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری خراسان رضوی، تاریخ بازدید: ۱۳۹۹/۰۸/۰۸.

^۲ - متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ص ۲۵۳.

فرصت و امکان دفاع در برابر ادعای خواهان را داشته باشد تا اولین جلسه دادرسی محقق گردد.

با توجه به مراتب مذکور چنانچه جلسه دادگاه به علت فراهم نبودن موجبات رسیدگی یا عدم امکان و فرصت دفاع برای خواننده تجدید شود، در اینجا جلسه بعدی جلسه اول محسوب خواهد شد و بر آن جلسه همان آثار جلسه تجدید شده مترتب است و اصحاب دعوی همان حقوق و تکالیف مختص جلسه اول را دارا هستند.^۱ بنابراین، چنانچه خواننده در جلسه اول دادرسی امکان و فرصت دفاع نداشته و جلسه دادگاه به علت انقضای مدت جلسه و لزوم تشکیل جلسه دیگر به منظور استماع دفاعیات خواننده تجدید شود در اینجا آثار مترتب بر جلسه اول بر جلسه بعدی نیز حاکم خواهد بود.

بند دوم: دعاوی فرعی (تَبَعی)

به موجب ماده (۱۷) ق.آ.د.م، «هر دعوایی که در اثنای رسیدگی به دعوی دیگر از طرف خواهان یا خواننده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود، دعوی طاری نامیده می‌شود. این دعوا اگر با دعوی اصلی مرتبط یا دارای یک منشأ باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است.» از جمله این دعوی، دعوی ورود شخص ثالث، جلب شخص ثالث و دعوی متقابل می‌باشد که به ترتیب به چگونگی تشخیص جلسه اول در دعوی مذکور می‌پردازیم.

الف: دعوی ورود شخص ثالث

به موجب ماده (۱۳۰) قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ «هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوی اصلی برای خود مستقلاً حقی قائل باشد و یا خود را در محقق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا گردد، چه اینکه رسیدگی در مرحله بدوی باشد یا در مرحله تجدیدنظر...». با توجه به این امر، شخص ثالث در تمامی مراحل دادرسی می‌تواند وارد دعوا شود و ورود شخص ثالث مقید به جلسه اول دادرسی نمی‌باشد و دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوی

^۱ - علیرضا تمیزکار، (تاریخ بازدید: ۱۳۹۹/۰۸/۰۸)، جلسه اول دادرسی، تحقیق حقوقی درس آیین دادرسی مدنی، به راهنمایی دکتر محمدتقی رضایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، آبان ۱۳۹۳، مندرج در تارنمای فضای مجازی ذیل:

ورود ثالث دادگاهی است که پرونده دعوی اصلی در آن دادگاه تحت رسیدگی است، اعم از اینکه دادگاه بدوی باشد یا دادگاه تجدیدنظر. اما در خصوص اینکه جلسه اول دادرسی مدنی نسبت به شخص ثالث کدام جلسه است باید گفت که جلسه اول دادرسی برای وارد ثالث جلسه‌ای است که برای اولین بار نسبت به دعوی وی تشکیل شده است، اعم از اینکه در آن شرکت داشته باشد یا نه ولو نسبت به اصحاب دعوا اصلی جلسات سوم و چهارم رسیدگی باشد و با توجه به اینکه شخص ثالثی که داخل در دعوا اصلی می‌گردد، یکی از اصحاب دعوا محسوب و مشمول حکم عام اصحاب دعوا می‌گردد. لذا از حقوق اصحاب دعوی اصلی برخوردار خواهد بود.

ب: جلب شخص ثالث

مطابق ماده (۱۳۵) ق.آ.د.م.، دادخواست جلب ثالث باید تا پایان جلسه اول دادرسی اقامه شود و در صورتی که خواهان یا خوانده دعوی اصلی بخواهند بعد از جلسه اول دادرسی شخص ثالثی را جلب نمایند، باید در جلسه اول دادرسی اظهار و در مهلت مقرر در این ماده، دادخواست آن را به دادگاه تقدیم کنند. جلب ثالث علاوه بر مرحله بدوی در مرحله واخواهی و تجدیدنظر نیز امکان‌پذیر است. شخص ثالث که جلب می‌شود خوانده به شمار می‌رود و تمام مقررات راجع به خوانده درباره او جاری است و به همین لحاظ مجلوب ثالث می‌تواند از تمامی راه‌های دفاعی استفاده کند و چنانچه مدعی حقی علیه هر یک از اصحاب دعوا باشد در صورت ضرورت، دعوی متقابل اقامه کند و حتی می‌تواند جلب ثالث نماید. در مورد این موضوع که جلسه اول دادرسی نسبت به مجلوب ثالث کدام است؟ باید گفت: جلسه اول، جلسه‌ای است که مجلوب ثالث برای اولین بار در آن شرکت دارد، اگرچه ممکن است نسبت اصحاب دعوا اصلی جلسه دوم یا سوم باشد و آثار مرتب بر جلسه اول اصحاب دعوی اصلی بر جلسه مذکور نیز نسبت به مجلوب ثالث حاکم خواهد بود و مجلوب ثالث از حقوق اصحاب دعوی اصلی برخوردار می‌باشد.^۲

بند سوم: دعوی متقابل

^۱ - حمید، کامل، منبع پیشین، ص ۱۵۱.

^۲ - عجمی، مرتضی، (زمستان ۱۳۹۵)، بررسی ماهیت قانونی اولین جلسه دادرسی در نظام حقوقی ایران، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد حقوق، به راهنمایی دکتر صادق آلبوغبیش و مشاوره سیدحسن موسوی هاشمی، رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌المللی خرمشهر - خلیج فارس، ص ۴۹.

به موجب ماده (۱۴۱) ق. آ.د.م.، «خوانده می‌تواند در مقابل ادعای خواهان اقامه دعوا نماید چنین دعوایی در صورتی که با دعوای اصلی ناشی از یک منشأ بوده یا ارتباط کامل داشته باشد، دعوای متقابل نامیده می‌شود...»؛ بنابراین، دعوای متقابل می‌بایست الزاماً از سوی خوانده اقامه شود. نظر به اینکه بر اساس ماده (۱۳۹) ق. آ.د.م.، شخص ثالثی که جلب می‌شود خوانده محسوب و تمام مقررات راجع به خوانده درباره او جاری است، لذا مجلوب ثالث نیز می‌تواند نسبت به اقامه دعوای متقابل علیه جالب اقدام نماید. همچنین، به موجب ماده (۱۴۳) قانون مزبور، دادخواست دعوای متقابل باید تا پایان اولین جلسه دادرسی داده شود. در صورت تقدیم دادخواست دعوای تقابل از سوی خوانده و فرصت کافی جهت ابلاغ دادخواست تقابل به خوانده آن یعنی خواهان اصلی، ابلاغ و علی‌الاصول، رسیدگی به دعوای تقابل نیز در همان جلسه‌ای که برای رسیدگی به دعوای اصلی از قبل تعیین شده صورت می‌گیرد و همین وقت به طرفین دعوای تقابل ابلاغ می‌شود و در صورتی که موجبات رسیدگی فراهم و فرصت و امکان دفاع برای خوانده باشد همان جلسه تعیین شده جلسه اول خواهد بود. اما در صورتی که فرصت کافی برای ابلاغ نباشد و یا اینکه دعوای متقابل در همان اولین جلسه دادرسی اقامه شود و خوانده تقابل در جلسه مذکور برای تهیه پاسخ و ادله خود تأخیر جلسه را تقاضا نماید جلسه تجدید می‌شود تا در جلسه آینده به هر دو دعوا رسیدگی شود، در اینجا باید جلسه بعدی را جلسه اول دادرسی تلقی کرد، چراکه فرصت و امکان دفاع برای تقابل در جلسه تجدید شده فراهم نبوده است بنابراین جلسه بعدی در حکم جلسه اول می‌باشد و اصحاب دعوی می‌توانند حقوق و تکالیف خاص جلسه اول را در آن اعمال نمایند.

بخش دوم: تشخیص و شناسایی جلسه اول دادرسی در موارد تجدید جلسه

از ماده (۱۰۴) ق. آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲، مستفاد می‌شود که اصل، عدم تجدید جلسه دادرسی است و تجدید آن، استثناء می‌باشد و دادگاه باید علی‌القاعده در پایان اولین جلسه دادرسی ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور رأی کند، اما در بسیاری از دعوای رسیدگی با تشکیل جلسه اول دادرسی خاتمه پیدا نمی‌کند.^۱ برای دادرسی دادگاه این امکان فراهم نیست که رسیدگی به پرونده را مستمراً دنبال کند تا به نتیجه برسد و با صدور رأی

^۱ - مجله آموزشی و علمی کامیاب، تاریخ بازدید اینترنتی: ۱۳۹۹/۰۸/۰۶.

فراغت حاصل کند، بلکه به لحاظ موجودی تعداد زیاد پرونده ناچار است از وقتی که در دفتر اوقات تعیین می‌شود تبعیت کند و دنباله رسیدگی را که در وقت نیم ساعت یا یک ساعت انجام داده به زمان دیگری موکول نماید و به این ترتیب غیر از جلسه اول جلسات دیگری لازم می‌شود. باید متذکر شد که دادگاه نباید بدون علت تجدید جلسه نماید و اگر رسیدگی به پرونده‌ای در همان جلسه اول به پایان رسید، دادرس دادگاه نمی‌تواند به جای ختم رسیدگی دستور تشکیل جلسه دیگر بدهد تا مثلاً تصور کند که چه تصمیمی باید در مورد پرونده بگیرد و دستور تجدید جلسه در پایان هر جلسه باید علت روشن داشته باشد، مثلاً شهودی باقی مانده که باید شهادت دهند، توضیحی لازم است که از خواهان اخذ شود، تحقیق محلی ضرورت دارد که انجام شود و دهها موضوع دیگر که ممکن است پیش آید و در راستای تکمیل رسیدگی باشد. بنابراین، دادگاه باید جهت تجدید جلسه را باید در صورت جلسه قید نماید. در این صورت، باید در پایان همان جلسه، جهت تشکیل جلسه بعدی را تبیین کند و وقت دیگری را با قید مشخصات روز و ساعت در صورت جلسه درج و به طرفین دعوی حضوراً ابلاغ نماید؛ بنابراین، با توجه به اینکه تجدید جلسه دادرسی خلاف قاعده است موارد آن منوط بر اجازه قانون است و تجدید جلسه خارج از ضوابط قانونی تخلف تلقی می‌شود.^۱

گفتار اول: تجدید جلسه و اصطلاحات مشابه

بند اول: تجدید جلسه

تجدید از نظر لغوی تجدید به معنی نو کردن، از سر گرفتن می‌باشد. با توجه به مفهوم جلسه و جلسه دادرسی، تجدید جلسه دادرسی، به مفهوم اعم به معنی نو کردن و یا از سر گرفتن جلسه است و در عرف قضایی این اصطلاح از یک طرف در مواردی به کار می‌رود که جلسه دادرسی در وقت مقرر تشکیل شده و موجبات رسیدگی نیز فراهم بوده و به دستور جلسه نیز جزئاً یا کلاً عمل شده اما تشکیل جلسه دیگر به هر علت ضروری دانسته شده

^۱ - حکم شماره ۴۸۲۷-۲۸ دی ۱۳۲۹ دادگاه عالی انتظامی قضات؛ رأی شماره ۱۷۷-۱۶/۸/۱۳۷۱، شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات؛ موازین قضایی محکمه عالی انتظامی از نظر تخلف اداری، ص ۱۵۳؛ کریم زاده، احمد، (۱۳۸۷)، نظارت انتظامی در نظام قضائی: آراء دادگاه عالی انتظامی قضات در زمینه تخلفات کیفری قضات، چاپ دوم، تهران، انتشارات روزنامه رسمی، صص ۱۶۵ و ۱۶۹؛ دادنامه شماره ۲۳۶-۲۴/۸/۱۳۷۲، شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات.

^۲ - معین، محمد، (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی معین، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۱۰۲۱

است و تجدید جلسه از طرف دیگر در مواردی به کار می‌رود که موجبات رسیدگی در جلسه فراهم نباشد و تشکیل جلسه به بعد موکول شود و همچنین در مواردی نیز که موجبات رسیدگی فراهم است اما به علتی دستور جلسه جزئاً یا کلاً قابلیت اجرا نداشته باشد و جلسه مورد نظر به تأخیر بیفتد، اصطلاح تجدید جلسه به کار می‌رود.^۱

بند دوم: اصطلاحات مشابه

قانون‌گذار در موادی از ق.آ.د.م.، به‌غیراز اصطلاح «تجدید جلسه» «تأخیر جلسه» و «تغییر وقت جلسه» را به کار برده است. اصطلاح تأخیر جلسه در مواردی آمده است که موجبات مقدماتی رسیدگی فراهم بوده ولی به عللی، عمل به دستور جلسه جزئاً یا کلاً قابلیت اجرایی نداشته و در نتیجه، جلسه به تأخیر می‌افتد.^۲ به موجب ماده (۱۴۳) ق.آ.د.م.، «دادخواست دعوای متقابل باید تا پایان اولین جلسه دادرسی تقدیم شود و اگر خواهان دعوای متقابل را در جلسه دادرسی اقامه نماید، خوانده می‌تواند برای تهیه پاسخ و ادله خود تأخیر جلسه را درخواست نماید...». این اصطلاح، همچنین، در مواد (۹۶) و (۹۹) از ق. مرقوم نیز به کار رفته است. قانون‌گذار بعضاً اصطلاح «تجدید جلسه» را نیز در این مفهوم استعمال نموده است. در ماده (۴۱) همین قانون، آمده است که «عزل یا استعفاء یا تعیین وکیل جدیدی باید در زمانی انجام شود که موجب تجدید جلسه دادگاه نگردد...». در مواد (۴۳ و ۴۴) نیز این اصطلاح تجدید جلسه در مفهوم مزبور به کار رفته است. در حالی که بهتر بود اصطلاح اخیر در مواردی استفاده شود که جلسه دادگاه تشکیل شده و عمل به دستور جلسه نیز امکان‌پذیر بود، ولی به علتی تعیین جلسه دیگر ضرورت داشته باشد. در خصوص اصطلاح تغییر وقت دادرسی نیز که در مواد (۱۳۲ و ۱۳۸) ق.آ.د.م. به کار رفته است با اصطلاح تجدید جلسه متفاوت می‌باشد. تجدید جلسه ناظر به وقتی است که جلسه دادرسی تشکیل اما به یکی از جهات موجه قانونی، آن جلسه به تأخیر افتد و تنها در صورتی مجاز است که قانون اجازه دهد و علت تجدید جلسه و یا حدوث اتفاقی مانند مصادف شدن روز جلسه با تعطیل رسمی و غیره صورت پذیرد. با توجه به اصطلاحات

^۱ - وبسایت دادراه، تاریخ بازدید: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵.

^۲ - حمید، کامل، منبع پیشین، ص ۱۵۳.

مختلفی که قانون‌گذار به کار برده در بررسی جهات و موارد تجدید جلسه، مفهوم اعم آن که شامل هر سه اصطلاح گردد مورد نظر قرار می‌گیرد.

گفتار دوم: تشخیص جلسه اول در موارد تجدید جلسه دادرسی

بند اول: انقضاء مدت تعیین‌شده برای رسیدگی به دلایل و اظهارات طرفین دعوا

با توجه به اینکه مدت‌زمان معمول برای رسیدگی به پرونده بین نیم ساعت الی ۱/۵ ساعت است،^۱ ممکن است محدوده زمانی جلسه دادگاه برای بررسی ادله ارائه شده از طرف خواهان و خوانده و نیز استماع مدافعات آن‌ها کافی نباشد و مستلزم زمانی بیش از مدت تعیین‌شده باشد و فرا رسیدن مدت رسیدگی به سایر دعاوی اجازه ادامه رسیدگی به پرونده طرفین دعوا را ندهد. در این موارد، دادگاه وفق ماده (۱۰۴) ق.آ.د.م.، باید در پایان جلسه دادرسی با ذکر علت، دستور تعیین جلسه دیگر یا تجدید جلسه و ابلاغ وقت آن به اصحاب دعوا را صادر نماید.

بند دوم: لزوم اخذ توضیح از خواهان

مطابق ماده (۹۵) ق.آ.د.م.، عدم حضور هر یک از اصحاب دعوی و یا وکیل آن‌ها در جلسه دادرسی مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نیست، البته در صورتی که وقت جلسه به صورت صحیح ابلاغ شده باشد، با این‌وجود اصحاب دعوا در جلسه حاضر نشوند. درعین‌حال، دادگاه ممکن است برای صدور حکم نیاز به اخذ توضیح از خواهان داشته باشد. در این صورت، خواهان باید با دعوت دادگاه در جلسه دادرسی در آنجا حاضر و ادای توضیح نماید. «اما تجدید جلسه به این علت، تخلف انتظامی شناخته شده است».^۲ در همین زمینه، در دادنامه شماره ۱۳۷۲/۶/۱۵-۱۵۷ شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات آمده است: «... اما چنانچه خواهان در جلسه دادرسی حاضر نباشد، دادگاه باید مورد یا مواردی که نیاز به توضیح دارد در صورت جلسه منعکس و دستور تجدید جلسه و ابلاغ وقت به اصحاب دعوا را صادر نماید و در اخطاریه خواهان علت تجدید جلسه که همان ادای توضیح است با ذکر موارد توضیح و ضمانت اجرای عدم حضور (که ابطال دادخواست است) قید گردد». اگر در برگ اخطاریه

^۱ - جهت کسب اطلاع بیشتر و مطالعه تفصیلی، رجوع کنید به: الماسی، نجادعلی و حبیبی درگاه، بهنام، درآمدی بر کیفیت دادرسی در فرآیند دادرسی کارآمد، مجله دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۵۸، ص ۴۷ به بعد.

^۲ - دادنامه شماره ۱۳۷۲/۶/۱۵-۱۵۷ شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات.

^۳ - مستنبط از رأی شماره ۱۳۲۱/۹/۱۵-۲۸۵ شعبه ششم دیوان عالی کشور.

خواهان، شعبه محل حضور قید نشده باشد و به همین عذر وی (خواهان) در جلسه محاکمه حاضر نگردد، با این علت نمی‌توان دادخواست او را از لحاظ عدم حضور ابطال نمود. همچنین، از ماده (۹۵) ق.آ.د.م.، چنین استنباط می‌شود که اخذ توضیح از خواهان مستلزم تعیین جلسه دادرسی است و دادگاه مجاز نیست با دادن وقت احتیاطی به پرونده و اعطای مهلت مثلاً یک هفته‌ای به خواهان فقط او را جهت اخذ توضیح دعوت کند. چرا که در این ماده، اولاً: به تعیین جلسه اشاره شده، ثانیاً: عبارت (با اخذ توضیح از خوانده نتواند رأی دهد) دلالت دارد بر اینکه جلسه دادرسی لازم است و اخذ توضیح باید در جلسه دادرسی صورت بگیرد، بدون تعیین جلسه دادرسی دعوت از خوانده ضرورتی ندارد. لذا وقت جلسه باید به خوانده دعوا ابلاغ شود.^۱

بند سوم: استناد طرفین دعوا به پرونده‌های قضایی

واضح است در رویه قضایی کشور، پرونده قضایی مورد استناد طرفین دعوا یا کیفری است یا مدنی. هر یک از اصحاب دعوا به موجب مواد (۱۲۴ و ۲۱۵) ق.آ.د.م.، می‌توانند در اثبات ادعای خود به پرونده کیفری استناد نمایند. اگر رجوع به آن پرونده لازم باشد، دادگاه می‌تواند پرونده را مطالبه کند و مرجع ذی‌ربط مکلف است پرونده درخواستی را ارسال نماید. در این صورت فرقی نمی‌کند که پرونده کیفری مورد استناد، در جریان (مفتوحه) باشد یا اینکه مختومه شده باشد، زیرا ممکن است استناد به پرونده کیفری مزبور مثلاً به جهت اقراری باشد که در آن صورت گرفته است و یا به جهت استناد با اسناد موجود در آن مورد استناد قرار گرفته باشد. در خصوص پرونده حقوقی استنادی نیز ماده (۲۱۵) ق.آ.د.م.، مقرر می‌دارد: «چنانچه یکی از اصحاب دعوا استناد به پرونده مدنی دیگری نماید. دادگاه به درخواست او خطاب به مرجع ذی‌ربط تقاضانامه‌ای به وی می‌دهد که رونوشت موارد استنادی در مدت معین به او داده شود. در صورت لزوم، دادگاه می‌تواند پرونده‌ی مورد استناد را خواسته و ملاحظه نماید». البته باید متذکر گردید که درخواست و اقدام مزبور

^۱ بنابراین، چنانچه در وقت مقرر خواهان در دادگاه حاضر شود اما خوانده به علت عدم ابلاغ اخطاریه در جلسه حاضر نشود، در این صورت، اخذ توضیح از خواهان نیز ممکن نخواهد بود و دادگاه باید وقت رسیدگی را برای اخذ توضیح از خواهان تجدید کند، چرا که موجبات (قانونی) رسیدگی فراهم نبوده و اخذ توضیح از خواهان در جلسه مزبور قانونی نیست. علت این امر آن است که خوانده باید مدافعات خود را بر اساس توضیحات خواهان تنظیم نماید و اخذ توضیح از خواهان بدون حضور خوانده برخلاف اصل تناظر است.

باید در زمانی صورت گیرد که موجب تجدید جلسه نشود. چنانچه استناد به پرونده در مقام اثبات ادعا یا در مقام دفاع در جلسه دادرسی طرح شده باشد، دادگاه می‌تواند در وقت احتیاطی پرونده و یا موارد استنادی را ملاحظه و چنانچه به جهات یاد شده فوق‌الذکر تشکیل جلسه دادرسی ضروری باشد در این مورد اتخاذ تصمیم نماید.

بند چهارم: استناد به اسناد خارج از دعوا

هر یک از طرفین دعوا به موجب مواد (۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۲۰-۲۲۵) ق.آ.د.م، می‌تواند در مقام اثبات ادعا یا دفاع به سندی استناد کند که خارج از دادگاه است و از دادگاه ابراز آن سند را درخواست نماید. مثلاً در دعاوی علیه بازرگان، خواهان به دفتر بازرگانی او استناد کند. در اینجا، دادگاه مکلف است به این درخواست ترتیب اثر دهد. به نظر می‌رسد در این مورد ملاحظه اسناد در وقت احتیاطی کفایت نکند و تجدید جلسه دادرسی برای بررسی مفاد اسناد مورد استناد ضروری خواهد بود، زیرا بر اساس اصل «ناظر» به طرفی که سند در مقابل او مورد استناد واقع می‌شود، اجازه دفاع داده شود.^۱

بند پنجم: استناد به گواهی گواهان

به موجب ماده (۲۲۹) ق. آ.د.م، «در مواردی که دلیل اثبات دعوا یا مؤثر در اثبات آن، گواهی گواهان باشد...»، هر یک از طرفین دعوا می‌توانند برابر مواد (۲۳۰) به بعد همان قانون به دلیل مزبور متمسک شوند. خواهان در صورتی که به گواهی گواهان استناد نماید، دادگاه قرار استماع گواهی گواهان را صادر و مراتب به طرفین ابلاغ می‌گردد. خوانده نیز در جلسه دادرسی (در مقام دفاع) می‌تواند از جمله دلایل دفاعی خود را گواهی گواهان قرار دهد. استماع گواهی گواهان منوط به صدور قرار استماع گواهی می‌باشد و چنانچه خواهان در جلسه دادرسی خود را حاضر کند، دادگاه پس از صدور قرار می‌تواند در همان جلسه اظهارات آن‌ها را استماع کند، اما در صورت عدم حضور گواهان در جلسه دادرسی یا در صورتی که خوانده در جلسه دادرسی به گواهی گواهان استناد کند. دادگاه مبادرت به صدور قرار استماع گواهی گواهان را می‌نماید، در هر دو صورت اخیر تجدید جلسه برای استماع گواهی گواهان ضروری است و چنانچه در جلسه مقرر نیز گواهی که برابر قانون احضار شده حاضر نشود دوباره احضار خواهد شد (ماده ۲۴۳ ق.آ.د.م). این امر مستلزم

^۱ - شبکه اطلاع رسانی دانا، منبع پیشین و حمید، کامل، منبع پیشین، ص ۱۶۰.

تعیین جلسه دیگری می‌باشد، در این رابطه می‌توان حکم شماره ۱۳۰۱-۱۳۲۸/۰۷/۱۶- شعبه سوم دیوان عالی کشور اشاره کرد، با این مضمون که مطابق مواد ۴۰۶ و ۴۰۷ ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۱۸ (منطبق با مواد ۲۲۹ و ۲۳۰ ق.آ.د.م. فعلی) در مواردی که گواهی مثبت دعوی است، دادگاه باید برای شنیدن گواهی وقت معین نماید. بنابراین، اگر در دعوی اعسار طرفین قبل از جلسه اخیر دادرسی به تراضی تقاضای تجدید جلسه مزبور نماید و مدعی اعسار هم برای استماع گواهان وقت خواسته باشد. رسیدگی به دعوی در همان جلسه به درخواست یک‌طرف (و بدون توجه به استناد مدعی اعسار به گواهی گواه) صحیح نخواهد بود.^۱

بند ششم: لزوم رسیدگی به ادعای جعل سند و اصالت آن

هر یک از طرفین دعوا می‌توانند نسبت به اسنادی که طرف مقابل ارائه می‌کند و مورد استناد قرار می‌دهد با ذکر دلیل ادعای جعل می‌نماید و این ادعا با توجه به ماده (۲۱۹) ق.آ.د.م.، ناظر به ماده (۲۱۷) همان قانون می‌بایست حتی‌الامکان تا اولین جلسه دادرسی به عمل آید. در صورت جعل وفق ماده (۲۲۰) ق. مرقوم، ادعای جعلیت و دلایل آن به دستور دادگاه به طرف مقابل ابلاغ می‌شود، در صورتی که طرف به استفاده از سند باقی باشد، مؤظف است ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ، اصل سند موضوع ادعای جعل را به دفتر دادگاه تسلیم نماید. بنابراین، در صورت طرح ادعای جعل سند مورد استناد، طرف دیگر دعوی یا استناد کننده از سند، یا در جلسه دادرسی حضور دارد یا غایب است. البته، در صورتی که احراز اصالت سند، مستلزم تحقیق از مسجّلین ذیل سند باشد در این صورت نیز تجدید جلسه ضروری خواهد بود و اگر دادگاه بدون اینکه به اصالت سند رسیدگی کند، نسبت به پرونده اتخاذ تصمیم نماید مرتکب تخلف شده است. چنانچه در حکم شماره ۷۱۲ - ۱۳۰۹/۷/۵ دادگاه عالی انتظامی قضات آمده است: «در صورتی که مدعی علیه منکر صدور مستند دعوی از خود بوده و مدعی نتوانسته است اساس تطبیقی برای آن‌ها تهیه کرده و

^۱ - متین دفتری، احمد، (۱۳۸۵)، مجموعه رویه‌های قضایی قسمت حقوقی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات جاودانه، ص

دادگاه بدون اینکه تحقیقی از مسجّلین ورقه نموده باشد حکم به بطلان دعوی داده تخلف است»^۱.

بند هفتم: ورود ثالث

اگر در موقع تقدیم دادخواست ورود ثالث نسبت به دعوی اصلی وقت تعیین شده باشد و برای فرستادن دادخواست و ضامم ورود ثالث برای اصحاب دعوا کافی نباشد، دادگاه وقت جلسه دادرسی را تغییر داده و به اصحاب دعوا ابلاغ می‌نماید.^۲

بند هشتم: ارائه اسناد جدید

به موجب ماده (۹۷) ق.آ.د.م، که مقرر می‌دارد: «در صورتی که خوانده تا پایان جلسه اول دادرسی دلایلی اقامه نماید که دفاع از آن برای خواهان جز با ارائه اسناد جدید مقدور نباشد در صورت تقاضای خواهان و تشخیص موجه بودن آن از سوی دادگاه مهلت مناسب داده خواهد شد». خواهان برای ارائه اسنادی که لازمه پاسخ‌گویی به دلایل ابرازی خوانده است می‌تواند از دادگاه مهلت بخواهد.^۳

پرسشی که مطرح می‌شود این است که دادن مهلت مناسب به خواهان جهت ارائه اسناد جدید مستلزم تجدید جلسه رسیدگی است یا خیر؟ ممکن است گفته شود که نیاز به تجدید جلسه دادرسی نمی‌باشد و ماده (۹۷) ق.آ.د.م، نیز ناظر بر اعطاء مهلت مناسب به خواهان است تا اسناد و مدارک را که در رد دلایل ابرازی خوانده دارد، به دادگاه ارائه نماید.

پرسش دیگری که مطرح است این است که چنانچه خواهان با استناد ماده (۹۷) برای ارائه اسناد جدید خود از دادگاه تقاضای مهلت کرده و دادگاه نیز با تقاضای او موافقت نموده جلسه رسیدگی را تجدید نماید، آیا خوانده می‌تواند در جلسه رسیدگی اعلام کند که برای دفاع در مقابل اسناد جدید ارائه شده از طرف خواهان او باید به اسنادی استناد کند که ارائه آن مستلزم مهلت و تجدید وقت دیگر است یا نه؟ در پاسخ به این پرسش شاید گفته شود که مطابق ماده قانونی یاد شده، دادن مهلت به خوانده ممکن نخواهد بود، زیرا این ماده در مقام بیان حق خواهان برای درخواست مهلت است، ولی باید گفت اگرچه ماده مذکور در

^۱- شهیدی، موسی، موازین قضائی، چاپ ششم، تهران، انتشارات رهام، ص ۱۶۹.

^۲- مواد (۱۳۶)، (۱۳۷) و (۱۳۸) ق.آ.د.م.

^۳- عجمی، مرتضی، منبع پیشین، ص ۵۷.

مقام بیان حق خواهان برای ارائه اسناد جدید است، اما با توجه به اصل «تناظر» و با عنایت به این که دفاع در مقام تمامی ادله ارائه شده از طرف خواهان از حقوق انکارناپذیر خوانده است، دادگاه باید به او نیز مهلت بدهد. علاوه بر این، با وحدت ملاک از ذیل ماده (۹۶) ق.آ.د.م. که مقرر کرده است: «... در صورتی که خواننده به واسطه کمی مدت یا دلایل دیگر نتواند اسناد خود را حاضر کند، حق دارد تأخیر جلسه را درخواست نماید. چنانچه دادگاه درخواست او را مقرون به صحت دانست با تعیین جلسه خارج از نوبت نسبت به موضوع رسیدگی می‌نماید»، می‌توان استنباط کرد که خواننده در فرض مذکور مستحق استمهال است، زیرا اگر پذیرفتیم که خواننده با وجود ابلاغ اوراق دادخواست و ضامیم آن که می‌بایست تمام مستندات خود را در دادگاه حاضر کند اما با این وصف به علت کمی وقت و سایر دلایل نتوانسته آن‌ها را حاضر کند، حق درخواست تأخیر جلسه را دارد. به طریق اولی باید بپذیریم که خواننده در مقابل اسنادی که در جلسه دادرسی از سوی خواهان ارائه می‌شود چنین حقی را دارد و دادگاه مطابق ذیل ماده (۹۶) قانون آیین دادرسی مدنی می‌تواند با تعیین وقت دیگر، امکان پاسخگویی به مدارک ابرازی خواهان را برای خواننده فراهم نماید.^۱

بند نهم: تراضی طرفین در تأخیر جلسه

ماده (۹۹) ق.آ.د.م. «دادگاه می‌تواند جلسه دادرسی را به درخواست و رضایت اصحاب دعوا فقط برای یکبار به تأخیر بیندازد». «توافق (تراضی) طرفین شایع‌ترین نوع جهت تجدید جلسه است منتها اعمال حق منوط به وجود شرایطی است از جمله:

۱- وجود تراضی طرفین برای تجدید جلسه و الا اگر یکی از اصحاب دعوی خواستار تجدید جلسه و دیگری مخالف باشد استناد به این ماده محمل قانونی نخواهد داشت.

۲- این تراضی فقط برای یکبار صورت می‌پذیرد و تکرار آن پذیرفتنی نیست.

^۱ - شبکه اطلاع رسانی دانا، منبع پیشین و حمید، کامل، منبع پیشین، ص ۱۶۵.

^۲ - مقصود از تأخیر جلسه، همان تجدید جلسه دادرسی است. بهشتی، محمدجواد و مردانی، نادر، منبع پیشین، پاورقی ذیل ص ۳۵۴ به نقل از: صالح احمدی، سعید، (۱۳۹۷)، قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، (تفسیری، تشریحی و انتقادی)؛ آخرین تحولات علمی و قانونی، رویه قضایی و دکترین حقوقی، چاپ اول، تهران، انتشارات کتاب آوا، ص ۳۳۲.

۳- اصحاب دعوا باید تجدید جلسه را درخواست کنند. پس، اگر تمامی شرایط تشکیل جلسه فراهم باشد، ولی اصحاب دعوی درخواست تجدید جلسه نکنند جلسه تجدید نخواهد شد ولو به تشخیص دادرس.

۴- دادگاه می‌تواند با تجدید جلسه موافقت نماید استفاده از فعل «توانستن» در متن ماده (۹۹) ق.آ.د.م. حاکی از این است که قاضی اختیار دارد که تجدید جلسه را قبول کند یا به آن توجهی نکرده و جلسه رسیدگی را ادامه دهد.

بند دهم: دعوی تقابل (متقابل)

خوانده دعوا می‌تواند در مقابل دعوای خواهان مبادرت به تقدیم دادخواست دعوی تقابل کند. دعوی تقابل باید تا پایان اولین جلسه دادرسی تقدیم دادگاه شود. در صورتی که فرصت کافی برای ابلاغ دادخواست متقابل به خوانده این دعوا (خواهان دعوای اصلی) و وقت رسیدگی به طرفین نباشد و یا در جلسه دادرسی اقامه شود خوانده دعوی متقابل (خواهان دعوای اصلی) می‌تواند تأخیر جلسه را درخواست نماید که در این صورت دستور تعیین جلسه دیگر و ابلاغ وقت آن از سوی دادگاه صادر خواهد شد. (ماده ۱۴۳ ق.آ.د.م.).

بند یازدهم: تجدید جلسه به علت عذر وکیل

هر یک از اصحاب دعوی می‌توانند اقداماتی را که خود قادرند طی کلیه مراحل دادرسی و پس از آن انجام دهند را، حداکثر به دو نفر وکالت دهند تا آنان بنا به اختیارات تفویضی به نمایندگی از موکل خود، عمل نمایند. وکلای اصحاب دعوا نیز مکلف هستند در هنگام دادرسی حضور داشته باشند، مگر اینکه دارای عذر موجهی باشند. جهات عذر موجه دقیقاً در ماده (۴۱) ق.آ.د.م. پیش‌بینی شده است. در هر حال، وکیل معذور، مؤظف است عذر خود را به طور کتبی با دلایل آن برای جلسه محاکمه به دادگاه ارسال دارد. دادگاه در صورتی به آن ترتیب اثر می‌دهد که عذر او را موجه بداند، در غیر این صورت، جریان دادرسی را ادامه داده و مراتب را به مرجع صلاحیت‌دار برای تعقیب انتظامی وکیل اطلاع خواهد داد. در صورتی که جلسه دادگاه به علت عذر وکیل تجدید شود، دادگاه باید علت آن

و وقت رسیدگی بعدی را به موکل اطلاع دهد. در این صورت، جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل تجدید نخواهد شد.^۱

بند دوازدهم: جهات دیگر تجدید جلسه

تجدید جلسه دادرسی به علل دیگر نیز امکان پذیر است در صورتی که موجبات دادرسی که همان شرایط تحقق دادرسی است فراهم نباشد، جلسه دادرسی «تجدید» می شود. می توان در مرخصی بودن قاضی یا تعطیل شدن ادارات دولتی در روز رسیدگی تعیین شده برای دادرسی یا نقص ابلاغ یا بلا تصدی بودن دادگاه اشاره کرد که از موارد تجدید وقت رسیدگی هستند. همچنین، در مواردی نیز که موجبات دادرسی فراهم باشد و جلسه دادگاه تشکیل شده ولی عمل به دستور جلسه دادرسی امکان پذیر نباشد. در این صورت، تجدید جلسه الزامی است. برای مثال در صورتی که جلسه برای استماع توضیح از کارشناس تشکیل شده باشد و کارشناس در جلسه حضور نیابد و جلب او نیز به سرعت میسر نباشد که در جلسه مقرر توضیح او استماع گردد تأخیر یا تجدید جلسه الزامی می گردد. همچنین، در صورت تغییر شعبه دادگاه و محل آن، محل جدید باید به اصحاب دعوا ابلاغ شود، در صورت عدم ابلاغ، تشکیل جلسه در محل جدید و عدم حضور اصحاب دعوا در آن با توجه به عدم ابلاغ محل جدید قانونی نبوده و جلسه باید تجدید شود. توجه به آثار ویژه اولین جلسه دادرسی از حیث حقوق و تکالیف اصحاب دعوی این پرسش مطرح می شود که اگر جلسه تجدید شده باشد، جلسه بعدی جلسه اول تلقی می شود؟ آیا حقوق و تکالیف خاص جلسه اول در جلسه بعدی قابل اعمال خواهد بود؟ در این خصوص باید گفت چنانچه جلسه دادگاه به علت فراهم نبودن موجبات رسیدگی از جمله نقص ابلاغ یا مرخصی بودن قاضی تشکیل نشود یا در صورت تشکیل جلسه عمل به دستور جلسه دادرسی کلاً یا جزئاً امکان پذیر

^۱ - با توجه به ماده (۴۱) ق.آ.د.م، در صورتی که وکیل یکی از اصحاب دعوا به علت داشتن عذر موجه در جلسه دادرسی نتواند شرکت کند با احراز دو شرط جلسه دادگاه تجدید خواهد شد:

اول اینکه وکیل حق توکیل نداشته باشد. در صورتی که حق توکیل داشته باشد، مؤظف است در صورت عذر، وکیل دیگری برای جلسه دادگاه بفرستد. [در این خصوص، ماده (۲۹) قانون وکالت مقرر می دارد: «از وکلایی که حق وکالت در توکیل دارند هیچ عذری برای عدم حضور در جلسه مقرر پذیرفته نیست. هرگاه وکیلی در یک ساعت در دو محکمه دعوت شده باشد باید به یکی از دو محکمه که نسبت به دعوی مطروح در آنجا وکالت در توکیل دارد وکیل بفرستد و در دیگری خود حاضر شود».]

دوم اینکه عذر وکیل، توسط قاضی دادگاه محرز داشته شود.

نباشد و تجدید جلسه شود، در این صورت، جلسه بعد جلسه اول محسوب می‌شود و بر آن جلسه همان آثار جلسه تجدید شده مترتب است و اصحاب دعوا همان حقوق و تکالیف مختص جلسه اول دادرسی را خواهند داشت. مثل اینکه در جلسه اول خوانده دعوای متقابل اقامه کرده و خواهان برای ابراز اسناد جدید تقاضای تجدید جلسه کرده است، حال جلسه بعدی در حکم جلسه اول می‌باشد و اصحاب دعوی می‌توانند حقوق و تکالیف خاص جلسه اول را در آن اعمال نمایند مثلاً خوانده اقدام به ایراد نماید و غیره. اما در صورت تجدید جلسه دادرسی به مفهوم اخصّ مثلاً جلسه دادگاه به علت انقضای مدت جلسه و لزوم تشکیل جلسه دیگر تجدید شود، نظر به اینکه جلسه بعدی دستور جلسه جدیدی خواهد داشت در اینجا آثار جلسه اول را نمی‌توان بر آن مترتب نمود، مگر اینکه دستور جلسه بعد نیز همان دستور جلسه قبل باشد مثل اینکه خوانده در جلسه اول فرصت دفاع نداشته و تجدید جلسه به منظور استماع دفاعیات وی باشد.^۲

نتیجه گیری

قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی مدنی، با هدف جلوگیری از اطاله دادرسی و کوتاه کردن زمان دادرسی‌ها، برای اولین جلسه دادرسی، ارزش خاص قائل شده و مقررات نسبتاً سنگینی را پیش‌بینی کرده است که رعایت آن‌ها برای اصحاب دعوی ضروری است. با این وجود، قانون‌گذار «اولین جلسه دادرسی را» تعریف نکرده، در حالی که آثار مهمی بر آن مترتب داشته است. باید پنداشت که اولین جلسه دادرسی، دارای امتیازات و آثار ویژه‌ای است که اطلاع از این آثار می‌تواند در پیشبرد سریع دادرسی مفید باشد، به نحوی که علاوه بر جلوگیری از اتلاف وقت دادرسان دادگاه‌ها در رسیدگی به پرونده‌ها از هزینه‌های بی‌مورد دادرسی نیز خواهد کاست. همچنین، مطابق ق.آ.د.م، از جلسه اول دادرسی یا تا اولین جلسه دادرسی و همچنین تا پایان اولین جلسه دادرسی، به کرات سخن گفته شده است، حال آن‌که این مشخصه، نه یک جلسه دادرسی بلکه یک بازه زمانی یا همان مقطع در دادرسی است. این مقطع از نظر حقوقی دارای آثار بسیار زیادی است اما در حقیقت، معلوم نیست جزو کدام‌یک از انواع جلسات دادرسی به معنای اخصّ می‌باشد! در حقیقت،

^۱ - شبکه اطلاع رسانی دانا، منبع پیشین.

^۲ - عجمی، مرتضی، منبع پیشین، ص ۶۰.

قانون‌گذار ایرانی، نه فقط از جلسه اول دادرسی (اولین جلسه دادرسی) تعریف و مفهومی به میان نیاورده بلکه به نوعی، متن ماده موجب بروز و رواج تفاسیر مختلف قضایی از آغاز و انتهای دقیق بازه زمانی حاکم بر جلسه مزبور است. ضمن آن که در خصوص جلسه اول دادرسی در ق.آ.د.م.، گاهی از اولین جلسه دادرسی و گاهی از «پایان» اولین جلسه دادرسی نام برده شده است. تردیدی نیست که میان این دو نهاد تفاوت وجود دارد، اما در بعضی از منابع حقوقی به اشتباه خلط بحث شده و از آن‌ها بجای یکدیگر استفاده می‌شود. لذا در این خصوص لازم است که هم در متن قانون موصوف و هم در ادبیات حقوقی نسبت به رفع این معضل اقدام گردد.



منابع و مأخذ

- الماسی، نجادعلی و حبیبی درگاه، بهنام، (تابستان ۱۳۹۱)، درآمدی بر کیفیت دادرسی در فرآیند دادرسی کارآمد، مجله دیدگاههای حقوقی، شماره ۵۸.
- بهشتی، محمدجواد و مردانی، نادر، (۱۳۸۵)، آئین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۳)، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- حسینی، سیدمحمد رضا، (۱۳۸۳)، قانون آئین دادرسی مدنی در رویه قضایی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- حمید، کامل، (۱۳۹۹)، آیین دادرسی مدنی: حقوق و تکالیف اصحاب دعوا در دادرسی مدنی بر مبنای تشکیل جلسات دادرسی با تأکید بر جلسه اول دادرسی «مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه»، چاپ دوم (با ویراست جدید)، اهواز، انتشارات آشناگر اندیشه.
- رامشی، میثم و بلوچیان، علی، (پاییز ۱۳۹۷)، بررسی شرایط و آثار تغییر دعوای مدنی در حقوق ایران، فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری (وکیل مدافع)، دوره ۸، شماره ۱۷.
- سید احمد بنی جمالی، (۱۳۹۹)، اولین جلسه دادرسی، تارنمای فضای مجازی ذیل:
- شمس، عبدالله، (۱۳۸۴)، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دراک.
- شمس، عبدالله، (۱۳۹۵)، آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد دوم، چاپ سی و نهم، تهران، انتشارات دراک.
- شهیدی، موسی، (۱۳۸۷)، موازین قضائی، چاپ ششم، تهران، انتشارات رهام.
- صالح احمدی، سعید، (۱۳۹۷)، قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، (تفسیری، تشریحی و انتقادی)؛ آخرین تحولات علمی و قانونی، رویه قضایی و دکترین حقوقی، چاپ اول، تهران، انتشارات کتاب آوا.
- عجمی، مرتضی، (زمستان ۱۳۹۵)، بررسی ماهیت قانونی اولین جلسه دادرسی در نظام حقوقی ایران، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد حقوق، به راهنمایی دکتر صادق آلبوغبیش

- و مشاوره سیدحسن موسوی هاشمی، رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌المللی خرمشهر - خلیج فارس.
- علیرضا تمیزکار، جلسه اول دادرسی، تحقیق حقوقی درس آیین دادرسی مدنی، به راهنمایی دکتر محمدتقی رضایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، آبان ۱۳۹۳، مندرج در تارنمای فضای مجازی ذیل:
- کریم زاده، احمد، (۱۳۹۴)، نظارت انتظامی در نظام قضائی: آراء دادگاه عالی انتظامی قضات در زمینه تخلفات کیفری قضات، چاپ دوم، تهران، انتشارات روزنامه رسمی.
- متین دفتری، احمد، (۱۳۸۵)، مجموعه رویه‌های قضایی قسمت حقوقی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات جاودانه.
- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۶۹)، مباحثی از اصول فقه، دفتر اول، چاپ ششم، تهران، انتشارات اندیشه های نو.
- مردانی، نادر و بهشتی، محمدجواد، (۱۳۸۵)، آئین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- مردانی، نادر و بهشتی، محمدجواد، (۱۳۹۱)، بایسته‌های آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، نشر دادگستر.
- وبسایت یاسا، (۱۳۹۹)، نخستین جلسه دادرسی و آشنایی بیشتر با آثار حقوقی نخستین جلسه دادرسی.